

کمیسیون کارگری سازمان

## یدالله خسروشاهی آنگونه که زیست، آنگونه که ماندگار شد



مبارزات جنبش کارگری خلق کرد. غربت و تبعید هم نتوانست او را از پیش تر رفتن باز دارد. رفیق یدالله کارگران را متحد می‌خواست و چاره رنج ایشان را در تشکیلات می‌جست. او پیگیرانه برپائی تشکل مستقل کارگری را از سوی کارگران پی می‌گرفت و از هیچ تلاش و کوششی در این عرصه فروگذار نکرد.

رفیق یدالله هیچگاه در برابر دشمنان کارگران و زحمتکشان سرخم نکرد و از آرمان‌هایش روی برنناقت. آموخته‌های او که از ژرفای تجربه و مقاومت و مبارزه برمی‌خاست، بی هیچ دریغی در خدمت پیشروی جنبش کارگری قرار داشت و دارد. همچنین صبوری رفیقانه، متانت و همدلی، همبستگی و وحدت؛ صداقت و فروتنی رفیق یدالله خسروشاهی، از وی سیمانی مورد اعتماد و دوست داشتنی فراهم ساخت. او فریاد و صدای بی‌حقوقان، بی‌صدایان و تهی‌دستان بود. همانگونه که خود می‌گفت، جنبش حق‌طلبانه و آزادیخواهانه مردم کشورمان که می‌کوشد بر زندگی رژیمی که حق حیات توده‌ها را بازپچه قرار داده نقطه پایان بگذارد، همه آرزوها و رؤیاهایش را دست یافتنی می‌سازد.

رفیق یدالله خسروشاهی در تجربه‌هایش در دفاع از مقاومت و مبارزه کارگران و در مبارزات هم‌اکنون جاری مردم، کارگران و زحمتکشان کشورمان برای فردائی شایسته و انسانی‌تر، زنده و ماندگار خواهد بود. او ستاره‌ای درخشان از سیمای مبارزه و مقاومت مردم ایران بود و خواهد بود.

بی‌گمان بریک نکته مهم نیز باید تاکید کرد، همانگونه که رفیق یدالله خسروشاهی خود می‌گفت: «فعالیت و تلاش‌های خود را مدیون از خودگذشتگی همسر "جهان" می‌دانم و بدون وجود او من قدرت پیشبرد مبارزات و استقامت در برابر ناملایمات را نداشتم. می‌خواهم بگویم هستی من در گرو از خودگذشتگی و پذیرش تمامی ناملایمات و مسئولیت فرزندان از طرف او بوده است و همه زندگی تا به امروز را به او مدیونم».

از این رو ما صمیمانه برای همه اعضا خانواده رفیق یدالله خسروشاهی آرزوی بهرزوی و نیک‌بختی داریم و همچنین نسبت به شخصیت توانای همسر رفیق یدالله خسروشاهی ادای احترام داریم و به آنان تسلیت می‌گوییم و خود را در اندوهشان همدل و سهیم میدانیم.

کمیسیون کارگری سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران، فقدان رفیق یدالله خسروشاهی را ضایعه‌ای بزرگ و جبران ناپذیر برای جنبش مردم و بویژه جنبش کارگری ایران می‌داند و یاد وی را گرامی می‌دارد و ارج می‌نهد. یاد و نامش گرامی باد.

کمیسیون کارگری سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران  
نوزدهم بهمن ۱۳۸۸

گرچه این حرکت کارگران پالایشگاه با تانک‌های فرماندار حکومت نظامی تهران روبرو گردید، اما اعتصاب تمامی کارگران پالایشگاه را موجب گردید. در تداوم این حرکت، «سندیکای مشترک کارکنان صنعت نفت» متولد شد و در ادامه اعتصاب گسترده کارگران نفت، «سندیکای مشترک» سازمان داده شد.

با گسترش مبارزات مردم و همچنین اعتصابات گسترده و سراسری کارگران در یازدهم آذرماه سال ۱۳۵۷ و با اعتصاب سراسری نفتگران با شعار «از بهر ملک و ملت، ما شیر نفتو بستیم»، گام‌های مهمی در سرنگونی رژیم پهلوی برداشته شد. با سقوط نظام شاهنشاهی «شورای سراسری کارکنان نفت» برپا گردید تا خواست‌ها و مطالبات کارگران را پیگیری و متحقق سازد. اما تازه به قدرت رسیدگان، با مصادره انقلاب و برپا کردن «دادگاه‌های انقلاب»، تشکل‌های کارگری و از جمله «شورای صنعت نفت» را غیرقانونی و منحل اعلام کردند. فعالین شوراهای نفت در تمام کشور توسط عناصر انجمن‌های اسلامی و سربازان گمنام امام زمان شناسائی، دستگیر و روانه زندان شدند.

یدالله خسروشاهی نیز در دی ماه ۱۳۶۰ دستگیر و روانه زندان اوین گردید و در ۲۴ فروردین ۱۳۶۲ با «مشت و لگد و دست و پا و صورت خونین و با لگد» از اوین آزاد شد و ناگزیر راه تبعید را گزید. در تبعید لحظه‌ای از پشتیبانی و حمایت از مقاومت و مبارزات کارگران غافل نبود. «انجمن کارگران پناهنده و مهاجر» و انتشارنشریه «کارگر تبعیدی» از جمله کوشش‌های وی در حمایت از جنبش کارگری ایران است. برپائی «بنیاد کار» بر دامنه تلاش برای گسترش بحث‌های نظری و پشتیبانی عملی از جنبش کارگری افزود. این تلاش‌ها در شناساندن جنبش کارگری ایران به نهادهای کارگری بین‌المللی و جلب حمایت از جنبش کارگری ایران در کشورهای اروپا و آمریکای شمالی انجامید. بربرستر چنین تلاش‌هایی «اتحاد بین‌المللی در حمایت از کارگران در ایران»، برپا گردید.

یدالله خسروشاهی از فعالین و سازمانگران توانا و از رهبران جنبش کارگری و از مدافعین حقوق کارگران و زحمتکشان بود. او سالیان متممادی از عمر خود را در زندان‌های رژیم نظام شاهنشاهی و بعداً در جمهوری اسلامی گذراند. زندگی سراسر مبارزه رفیق یدالله از سالهای دور تا هنگام گریز ناگزیر از کشور و پس از آن در تبعید، از او چهره‌ای ماندگار در جنبش مردم ایران و بخصوص در تاریخ

سحرگاه پنج شنبه ۱۵ بهمن ماه، قلب یدالله خسروشاهی انسانی متعهد، مسئول و از مبارزین و فعالان سیاسی و از رهبران جنبش کارگری و سازمانگری توانا، از طپش باز ایستاد.

یدالله خسروشاهی از «اعماق» برخاست و نوید فردای شایسته انسان را بشارت می‌داد.

یدالله خسروشاهی بسیار زود و در سن ۱۴ سالگی با دنیای رنج و کار آشنا گردید و بعنوان کارگر تعمیرات پالایشگاه آبادان شروع به کار نمود. او با زندگی در میان کارگران و مردم تهیدست آبادان، مبارزه با فقر و نابرابری و بی‌حقوقی و از خود بیگانه شدن انسان‌ها را آغاز کرد. در شرایطی که وضع زندگی کارگران و مردم تهیدست آبادان بسیار سخت و مشقت بار بود و اکثرآ مجبور بودند در یک اتاق اجاره‌ای با زن و بچه، بدون آب و برق به‌سر ببرند و حتی باید آب را به اصطلاح از «بمبو» سر کوچه بیاورند. در مقابل، غارت سرمایه‌های مردم و حیف و میل آن و بر خورداری از امکانات مورد استفاده از سوی مدیران کنسرسیوم نفت و عوامل و عناصر رژیم نظام استبداد سلطنتی و... حد و مرزی نمی‌شناخت. چنین واقعیت‌هایی او را به مبارزه برای از میان برداشتن نابرابری و بی‌حقوقی فرا می‌خواند.

اولین نمود فعالیت اجتماعی وی، پیوستن به صندوق همیاری کارگری بود. در اردیبهشت ۱۳۵۰ به نمایندگی از سوی کارگران پالایشگاه تهران به دبیری سندیکای کارگران پالایشگاه برگزیده شد. در سازماندهی اعتصاب کارگران در سال ۱۳۵۳ نقش موثر داشت و به همین دلیل دستگیر و روانه اوین گردید. در فرودین ۱۳۵۷ با آغاز و گسترش مبارزات مردم علیه استبداد نظام سلطنتی از زندان آزاد گردید. او در زندان‌های شاه شکنجه‌های بسیار را تاب آورد، آنگونه که آثار آن تا روزی که زنده بود بر وی نمایان بود و به ناچار مجبور به جراحی قلب گردید و ملزم به استفاده از داروهای مختلف بود.

دو سال پس از ضربات ساواک به سندیکای کارگران پالایشگاه و اعلام انحلال آن از سوی وزارت کار رژیم شاه و همچنین دستگیری و زندانی کردن تعدادی از فعالین سندیکا، تلاش گروهی از فعالان سندیکا توانست سندیکا را حول خواسته‌های اقتصادی و رفاهی بازسازی کند. رفیق یدالله خسروشاهی در سازماندهی تحصنی که در هفدهم شهریورماه ۱۳۵۷ از سوی خانواده‌های کارگران پالایشگاه که فاقد مسکن بودند و در مقابل پالایشگاه تهران صورت گرفت، نقش اساسی داشت.

سایت سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه

## منشور مطالبات مدافلی کارگران ایران به مناسبت سی و یکمین سالروز انقلاب ۵۷

۵- تامین امنیت شغلی برای کارگران و تمامی مزد بگیران، لغو قراردادهای موقت و سفید امضاء، برچیده شدن کلیه نهادهای دست ساز دولتی از محیطهای کار و تدوین و تصویب قانون کار جدید با دخالت مستقیم نمایندهای منتخب مجامع عمومی کارگران.

۶- اخراج و بیکارسازی کارگران به هر بهانه ای باید متوقف گردد تمامی کسانی که بیکار شده اند و یا به سن اشتغال رسیده و آماده به کار هستند باید تا زمان اشتغال به کار از بیمه بیکاری متناسب با یک زندگی انسانی برخوردار شوند.

۷- لغو کلیه قوانین تبعیض آمیز نسبت به زنان و تضمین برابری کامل و بی قید و شرط حقوق زنان و مردان در تمامی عرصه های زندگی اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و خانوادگی.

۸- برخورداری تمام بازنشستگان از یک زندگی مرفه و بدون دغدغه اقتصادی و رفع هرگونه تبعیض در پرداخت مستمري بازنشستگان و بهره مندی آنان از تامین اجتماعی و خدمات درمانی.

۹- تمامی کودکان باید جدای از موقعیت اقتصادی و اجتماعی والدین، نوع جنسیت و وابستگی های ملی و نژادی و مذهبی از امکانات آموزشی، رفاهی و بهداشتی یکسان و رایگانی برخوردار شوند.

۱۰- اول ماه مه باید تعطیل رسمی اعلام گردد و در تقویم رسمی کشور گنجانده شود و هر گونه ممنوعیت و محدودیت برگزاری مراسم این روز ملغی گردد.

**سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه**  
**سندیکای کارگران کشت و صنعت نیشکر هفت تپه**  
**اتحادیه آزاد کارگران ایران**  
**انجمن صنفی کارگران برق و فلز کار کرمانشاه**



حزب و یا گروه سیاسی خاصی، خواهان همکاری با همه ایرانیانی هستیم که برای حقوق از دست رفته مردم ایران مبارزه می کنند. مبارزه برای آزادی کلیه زندانیان سیاسی، مبارزه برای تحقق مطالبات زنان، افشای نقض آشکار حقوق بشر در ایران و دفاع از جنبش سبز از ادیخواهانه مردم ایران، تا دستیابی آنان به دموکراسی و رهایی از دیکتاتوری جمهوری اسلامی ادامه خواهد داشت. تلاش من آن است که در تمام مجامع شرکت فعال داشته باشم تا بتوانم صدای حق طلبانه مردم ایران را به گوش جهانیان برسانم.

آقای حیدری امروز همچنین در دیدارهایی جداگانه با حضور یکی از اعضای کمیته نروژی- ایرانی حمایت از مبارزات مردم ایران، با خانم شیرین عبادی و سپس با هیئتی سه نفره از وزارت امور خارجه نروژ دیدار و گفتگو نمود. هر دو دیدار در راستای تقویت جنبش از ادیخواهانه مردم صورت گرفت.

نروژ- اسلو - ۱۷ فوریه ۲۰۱۰

درماندگی میلیونها کارگر و مزدبگیر برای گذران زندگی بر جای نمانده است.

اما زندگی ادامه دارد و مردم ایران هنوز و به حق در حال و هوای تغییر اند و امیدشان را برای دست یابی به یک زندگی انسانی و شاد و مرفه و آزاد از دست نداده اند. در این میان کارگران ایران در طول سالهای گذشته با اعتصابات و اعتراضات جسورانه خود و برپایی تشکلهای مستقل شان به دفاع از حق حیات و زندگی خود برخاستند و امروز بسیاری از آنان به جرم تشکل خواهی و خواست یک زندگی انسانی در پشت میله های زندان بسر میبرند.

اما برای ما کارگران سلولهای زندان پایان کار نیست، ما میلیونها انسانیم، ما تولید کنندگان تمامی ثروتها و نعمات موجود هستیم، چرخ تولید و زندگی در جامعه در دستان ماست، پشتوانه ما تجربه اعتصاب متحدانه و شکوهمند کارگران نفت در انقلاب بهمن ۵۷ است و ما با این پشتوانه و با اتکا به قدرت میلیونی خود و با الهام از خواستهای انسانی مردم ایران در انقلاب سال ۵۷، امروز و پس از سی و یک سال از بهمن ۵۷ رنوس خواستهای حداقلی خود را به شرح زیر اعلام می داریم و خواهان تحقق فوری و بی قید و شرط همه آنها هستیم.

۱- برسمیت شناخته شدن بی قید و شرط ایجاد تشکلهای مستقل کارگری، اعتصاب، اعتراض، تجمع، آزادی بیان، مطبوعات و تحزب.

۲- لغو فوری مجازات اعدام و آزادی فوری و بی قید و شرط کلیه فعالین کارگری و دیگر جنبشهای اجتماعی از زندان.

۳- افزایش فوری حداقل دستمزدها براساس اعلام نظر خود کارگران از طریق نمایندگان منتخب آنها در مجامع عمومی کارگری.

۴- طرح هدفمند کردن یارانه ها باید متوقف و دستمزدهای معوقه کارگران باید فوراً و بی هیچ عذر و بهانه ای پرداخت گردد.

با ارسال بیانیه ای مطبوعاتی به دو زبان انگلیسی و نروژی، این خبر را به اطلاع رسانه های گروهی نروژ رسانند. در این بیانیه ایشان ضمن رد ادعاهای جمهوری اسلامی، از مقامات نروژی و همه ایرانیان و نروژی هایی که در این مدت از وی پشتیبانی کرده بودند، تشکر نمود. جهت اطلاع عموم بخشی از این بیانیه را در زیر منتشر می کنیم:

"از دولت محترم نروژ و مردم آن به عنوان ملتی صلح دوست و آزادخواه، بخاطر همبستگی و پشتیبانی شان از مبارزات مردم کشورمان و محکوم کردن نقض حقوق بشر در ایران، تشکر می کنم. ما ایرانیان امیدواریم که این پشتیبانی ادامه داشته باشد و دولت نروژ در همکاری با دیگر کشورهای شمال اروپا و اتحادیه اروپا، برای قطع بی درنگ خشونت، دستگیری، شکنجه و اعدام، حکومت ایران را تحت فشار قرار دهند. در پایان با اطلاع می رسانم که از امروز به بعد، من خودم رایکی از فعالین حقوق بشر میدانم که بدون وابستگی سیاسی به

برای ما کارگران سلولهای زندان پایان کار نیست، ما میلیونها انسانیم، ما تولید کنندگان تمامی ثروتها و نعمات موجود هستیم، چرخ تولید و زندگی در جامعه در دستان ماست، پشتوانه ما تجربه اعتصاب متحدانه و شکوهمند کارگران نفت در انقلاب بهمن ۵۷ است و ما با این پشتوانه و با اتکا به قدرت میلیونی خود و با الهام از خواستهای انسانی مردم ایران در انقلاب سال ۵۷، امروز و پس از سی و یک سال از بهمن ۵۷ رنوس خواستهای حداقلی خود را به شرح زیر اعلام می داریم و خواهان تحقق فوری و بی قید و شرط همه آنها هستیم.

سی و یک سال از انقلاب بهمن ۵۷ گذشت. مردم ایران در آنروزها با امید به برخورداری از یک زندگی بهتر و برچیده شدن چتر اختناق و سرکوب در صفی میلیونی به خیابانها آمدند و طبقه کارگر ایران و پیشاپیش آنان کارگران شرکت ملی نفت با اعتصاب سراسری خود و بستن شیرهای نفت کمرحاکمیت استبداد را درهم شکستند توده های میلیونی مردم باشعار "کارگر نفت ما، رهبر سرسخت ما" پاسخی شورانگیز به این اقدام تاریخی آنان دادند و در روز ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ قدرت به دست مردم افتاد.

سقوط حکومت استبداد در روز ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ برای مردم به جان آمده از ستم و خفقان، بهارانی پر شکوه بود که زن و مرد و پیر و جوان و کودک با سرود بهاران خجسته باد و با شوری وصف ناپذیر به استقبال شتافتند، مردم همدیگر را در آغوش می کشیدند، اشک شوق می ریختند و در پس قطره های اشک شوق شان رهایی و بهروزی خود را با تمامی وجودشان لمس میکردند.

اینک از آنروزهای پر شکوه و از آن روزهای امید و طراوت و شادابی ۳۱ سال میگذرد، سی و یک سالی که امروز از آن همه امید و طراوت و شادابی چیزی جز فقر و بدبختی، بیکاری و دستمزد زیر خط فقر، طرح قطع یارانه ها و

### کمیته نروژی- ایرانی حمایت از مبارزات مردم ایران دولت نروژ به آقای میدری پناهدگی سیاسی اعطاء کرد

پس از آنکه آقای حیدری سفیر مستعفی جمهوری اسلامی ایران در نروژ، در اعتراض به کشتار مردم توسط جمهوری اسلامی از سمت خودش کناره گیری و از کشور نروژ تقاضای پناهدگی نمود و مصاحبه های ایشان در رسانه های فارسی زبان و خارجی منتشر شد، هفته گذشته، مقامات جمهوری اسلامی از طریق عوامل خود اعلام نمودند که پناهدگی ایشان از سوی مقامات نروژی پذیرفته نشده و ایشان به ایران برگشته است. این خبر به تلویزیون «سی ان ان» و یکی از پرتیراژترین روزنامه های نروژ به نام «داگ بلادت» نیز رسیده بود.

روز سه شنبه ۱۶ فوریه، مقامات نروژی با اعطای پناهدگی به آقای حیدری بر شایعات جمهوری اسلامی و عواملش پایان دادند. امروز چهارشنبه ۱۷ فوریه ۲۰۱۰ آقای حیدری

کمیته نروژی - ایرانی حمایت از مبارزات مردم ایران

## گزارش اولین دیدار آقای ممد رضا میدری با ایرانیان و فعالین سیاسی در اسلو و برگزاری جشن پیوستن آقای ممد رضا میدری به جنبش آزادیخواهان مردم ایران



عاشورا نسبت به اتفاقات هفت ماه گذشته بی تفاوت بوده‌ام. من هم مثل میلیون‌ها تن از هموطنانم خواهان تغییر در وضعیت فعلی بودم و در انتخابات هم موضع روشنی داشتم. انتخاب من به عنوان یک شهروند ایرانی دولت فعلی نبود.

اما در مورد شغلم. من فکر می‌کنم اکثریت قریب به اتفاق کسانی که در استخدام دولت هستند، خدمات دولتی را خدمت به ملت و کشور خود می‌دانند. من هم از خدمت دولتی چنین تلقی‌ای داشتم و دارم. اما زمانی که احساس کردم که نمی‌توانم در مقابل نقض حقوق ملت و زیر پا گذاشتن ابتدائی‌ترین حقوق انسانی در کشورم سکوت کنم. ادامه کارم در سفارت را ممکن ندانستم و ترجیح دادم که استعفا بدهم و به جنبش حق طلبانه ملت ایران بپیوندم.

### دوستان عزیز

حضور من در جمع و کارزار شما برای دفاع از حقوق مردم ایران و در اعتراض به نقض حقوق بشر در ایران، برای من آغاز دیگری و قدم نهادن در برهه جدیدی از زندگی من و خانواده ام است. از حضور در جمع شما خوشحالم. امیدوارم که بتوانم در تلاش جمعی‌مان برای دفاع از حقوق اساسی مردم کشورمان همپایی برای شما عزیزان باشم. من به سهم خودم از شما و دیگر هموطنانم که در طی سالهای گذشته برای آزادی و عدالت اجتماعی علیه استبداد حکومتی تلاش و مبارزه کرده‌اید سپاسگزار می‌کنم.

برای همه شما در پیشبرد اهداف والا و انسانی‌تان آرزوی موفقیت می‌کنم.

محمد رضا حیدری - نروژ - اسلو

یکشنبه ۴ بهمن ۱۳۸۸ - ۲۴ ژانویه ۲۰۱۰



آقای حیدری بزودی در رسانه‌های گروهی، پلتفرم خود را در ارتباط با "کمپین سفارت سبز" اعلام خواهند کرد.

### متن پیام آقای میدری

#### دوستان ارجمند، هموطنان خوبم.

با سلام، خوشحالم که امروز در جمع شما هستم و از نزدیک با شما صحبت می‌کنم. حضور در چنین جمعی برای من تجربه جدیدی است. قطعاً برای کسی که به عنوان کارمند یک دولت مشغول به کار بوده است، حضور در جمع مخالفان آن دولت اتفاقی نیست که هر روز بیفتد. آنهم به عنوان یک مخالف. اما همینطور که می‌بینید، حوادث اخیر کشور ما نه فقط سیمای کشورمان را دگرگون ساخته است، نه فقط تحسین جهانیان را نسبت به ملت ما و بلوغ سیاسی آن برانگیخته است، زندگی بسیاری از ما از جمله من را هم دگرگون ساخته است. مشاهده شبیخون آشکار به آراء مردم، هجوم وحشیانه به صفوف آرام معترضان، کشتار و زندانی نمودن آنان، هر ایرانی را در هر گوشه‌ای از جهان به فکر وامیدارد که چرا؟ و تا به کی؟ و در مقابل این انتخاب قرار می‌دهد که من به عنوان عضو کوچکی از پیکره این ملت بزرگ، چه می‌توانم بکنم. برای کسی در موقعیت شغلی من و با سابقه بیست سال خدمت دولتی، اتخاذ چنین تصمیمی به معنی تغییر مسیر زندگی خود و خانواده‌ام بود. من با محاسبه همه این تغییرات، زمانی که احساس کردم تحمل ادامه این وضعیت و سکوت در برابر اقدامات سرکوبگرانه حکومت را ندارم، لحظه‌ای هم تردید نکردم. بسیاری از من سوال می‌کنند که چرا در این برهه و برخی دیگر می‌گویند اصولاً چرا و چگونه کارمند چنین دولتی بودی. در این که چرا در این برهه بارها صحبت کرده‌ام بعد از حوادث عاشورا دیگر سکوت را جایز ندانستم. اما این امر به معنای آن نیست که قبل از کشتار

روز یکشنبه ۲۴ ژانویه، به دعوت کمیته نروژی - ایرانی حمایت از مبارزات مردم ایران، تعدادی از ایرانیان ساکن اسلو و همچنین نمایندگان سازمانها و احزاب مختلف اپوزیسیون ایرانی در نروژ با آقای حیدری دیدار کردند. این اولین دیدار آقای حیدری پس از اعلام استعفا خود به عنوان یکی از دیپلمات‌های ارشد جمهوری اسلامی بود. در طی این مدت ایرانیان مقیم نروژ، مشتاقانه در انتظار دیدار با آقای حیدری و برگزاری جشن این پیروزی بودند. در این روز ایرانیان به دیدار آقای حیدری آمدند تا نشان دهند که به شجاعت و اقدام بشر دوستانه ایشان ارج می‌نهند. نماینده کمیته نروژی - ایرانی حمایت از مبارزات مردم ایران ضمن خوشامدگویی به حاضرین، از کار شجاعانه و شرافتمندانه آقای حیدری تقدیر نمودند و آنرا سرآغاز حرکتی نوین در جهت ریزش سفارتخانه‌ها و پیوستن سفرا و دیپلمات‌های جمهوری اسلامی به جنبش آزادیخواهان مردم ایران ارزیابی کرد.

بعد از آن آقای حیدری به ایراد سخنرانی پرداختند. ایشان در سخنانش از دیدار با ایرانیان اظهار خوشحالی نمودند و همچنین از تلاش آنان در دفاع و حمایت از جنبش آزادیخواهان مردم میهنمان سپاسگزاری کردند. دو پیام مهم در صحبت‌های آقای حیدری بود. ایشان تاکید بسیار زیادی روی اتحاد نیروهای اپوزیسیون خارج کشور و همبستگی همه نیروها داشتند، چرا که ایشان اعتقاد دارند که رژیم جمهوری اسلامی هزینه بسیار زیادی می‌پردازد که بین نیروهای اپوزیسیون خارج کشور نفاق و چند دستگی ایجاد نماید. نکته مهم دیگر، ایجاد "کمپین سفارت سبز" بود که ایشان بعنوان بنیانگذار این کمپین، در مورد اهداف آن صحبت نمودند. از مهمترین اهداف این کمپین جذب سفرا، دیپلمات‌ها و کارمندان سفارتخانه‌ها و پیوستن آنان به جنبش آزادیخواهان مردم ایران است.

### بیانیه ممد رضا میدری

#### قطاب به کلیه دیپلمات‌ها و کارمندان سفارتخانه‌های جمهوری اسلامی

دوستان و هموطنان گرامی

کشور ما طی هفت ماه گذشته روزهای دشواری را پشت سر گذاشته است. خواست به رسمیت شناختن رای ملت در تعیین حکومت با سرکوب و بازداشت و شکنجه روبرو شده است. تظاهرات اعتراضی آرام و مسالمت آمیز مردم با یورش نیروهای نظامی و امنیتی مواجه شده است و تاکنون ده‌ها نفر در جریان این یورش‌های وحشیانه کشته و هزاران نفر بازداشت شده‌اند. وقایعی مثل فاجعه کهریزک رخ داده است. زیر فشار افکار عمومی، حکومت مجبور شده است وقوع بخشی از فجایع این زندان، از جمله قتل حداقل سه نفر را رسماً بپذیرد. همچنین ده‌ها نفر از مدیران و فعالان سیاسی در بازداشت به‌سر می‌برند. اما هیچکدام از این اقدامات، همچنین ترتیب دادن دادگاه‌های نمایشی و صدور احکام سنگین،

حتی اعدام، قادر به توقف جنبش مردم برای احقاق حقوق خود نشده است. حوادث روز قدس، راهپیمایی روز ۱۳ آبان، ۱۶ آذر و مهم‌تر از همه روز عاشورا نشان داد که جنبش حق طلبانه و اعتراضی گسترده‌تر نیز شده است و در سراسر ایران و در قلب مردم ایران ریشه دوانده است. امروز کم نیستند صداهایی که از درون هیات حاکمه، سیاست سرکوب و کشتار مردم در خیابان‌ها و بازداشت گسترده فعالان سیاسی، فرهنگی و مدنی و بستن روزنامه‌ها و منافذ اطلاع رسانی جامعه را بی‌ثمر و نتیجه آن را انزوای هرچه بیشتر هیات حاکمه و دولت کنونی می‌دانند و خواستار راه‌حل‌های دیگری برای پایان دادن به این بحران هستند.

کشتار مردم در روز عاشورا نشان داد که دولت کنونی برای حفظ قدرت خود حاضر است دست به هرقدامی از جمله ریختن خون مردم در روز عاشورا نیز بزند. نمی‌توان و نباید در برابر سرکوب مردم و کشتار آنها سکوت کرد. نمی‌توان و نباید زیر پا گذاشتن حقوق اساسی ملت را تحمل کرد.

دوستان و هموطنان گرامی وظیفه کارمندان سفارتخانه‌های ایران دفاع از منافع کشور ایران و نمایندگی دولت برآمده از رای ملت در اقصی نقاط جهان است. نمی‌توان و نباید تن به نمایندگی دولتی داد که رای مردم را بر نمی‌تابد؛ دستور شلیک به سوی مردم صادر می‌کند؛ فرزندان مردم را هزار هزار بازداشت می‌کند و در زندان‌ها از هیچ جنایتی علیه آنها فروگذار نمی‌کند. از جنبش حق طلبانه و آزادی خواهانه ملت ایران حمایت کنیم. سفیر صدای مردم کشورمان باشیم؛ دست رد به سینه دولت سرکوبگر ملت و ناقض حقوق اساسی مردم بزنیم؛ از نمایندگی دولت سرکوب و دروغ اجتناب کرده، به دریای جنبش سبز مردم ایران بپیوندم.

من از همه ایرانیان عزیز داخل و خارج از کشور، با هر فکر و عقیده‌ای، تقاضا می‌کنم با امضای این بیانیه، دیپلمات‌ها و کارمندان سفارتخانه‌های جمهوری اسلامی را تشویق کنند، به سرکوب حکومتی در ایران اعتراض کنند و از جنبش مردم ایران حمایت نمایند.

محمد رضا حیدری - اسلو، ۱۷ ژانویه ۲۰۱۰